

تالکت پارسنز

و

نظریه کنش

دکتر عباس محمدی اصل



نشر گل آذین

۱۳۹۰

□ □

تالکت پارسنز و نظریه کنش
محمدی اصل، عباس (- ۱۳۴۶)
تهران: گل آذین، ۱۳۹۰، ۱۵۶ ص.
شابک: ۵ - ۸۹ - ۷۷۰۳ - ۷۷۰۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرستنویسی: فیبا
پارسنز، تالکت Parsons, Talcott (۱۹۷۹ - ۱۹۰۲ م).
جامعه‌شناسی، کنش اجتماعی، شخصیت و انگیزش
رده‌بندی کنگره: ۳۱۳۹۰ / ۲۸۳ / HM ۴۷۹
رده‌بندی دیویی: ۳۰۱/۰۹۲
شماره کتابخانه ملی: ۲۲۵۳۶۵۷

□ □



نشر گل آذین

■ تالکت پارسنز و نظریه کنش ■

نویسنده: دکتر عباس محمدی اصل

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طرح روی جلد: نیمه افتخاری

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: کارگاه نشر گل آذین

لیتوگرافی و چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

ISBN 978-964-7703-89-5

E-mail: GOL_AZIN @ YAHOO.COM

WWW.GOLAZIN.PUB.COM

تهران: خ انقلاب، خ لبافی‌نژاد، پلاک ۱۴۶، واحد ۴، تلفکس: ۶۶۹۷۰۸۱۶-۷

فهرست مطالب

سخنی با خواننده	۱۱
مقدمه	۱۵
۱. برخی مقولات بنیادین نظریه کنش: ملاحظات عمومی	۳۵
پیش درآمد	۳۵
چهارچوب داوری	۳۶
برخی مبادی روان‌شناختی رفتار	۳۸
تعامل و رشد شخصیت	۴۱
ابعاد فرهنگی نظام‌های کنش	۴۲
نظام اجتماعی	۴۴
۲. ملاحظات دربارۀ نظریه در علوم اجتماعی	۴۷
نظریه در علوم اجتماعی	۴۷
اصول انواع جهت‌گیری کنشگر بر پایه متغیرهای الگویی	۴۸
۳. ارزش‌ها، انگیزش‌ها و نظام‌های کنش	۵۱
کنش و جهت‌گیری آن	۵۱
اجزاء چهارچوب داوری نظریه کنش	۵۳
تفسیر چهارچوب داوری	۵۷
طبقه‌بندی اهداف	۵۷
جهت‌گیری نسبت به وضعیت	۵۸
متغیرهای الگویی	۵۹
طبقه‌بندی تمایلات نیازی و انتظارات نقشینه	۶۳

۶۹	طبقه‌بندی اجزاء و وضعیت عینی (هدف)
۷۱	ساخت اساسی رابطه تعاملی
۷۱	مفهوم نظام و طبقه‌بندی انواع آن
۷۲	الف. شخصیت به عنوان نظام کنش
۷۲	مفاهیم انگیزشی
۷۳	تمایلات نیازی
۷۴	مقتضیات کارکردی نظام شخصیت
۷۵	فرایندهای یادگیری و فرایندهای اجرایی
۷۵	مکانیسم‌ها
۷۸	خرده‌یگانگی‌ها در نظام شخصیت
۷۸	رابطه نظام اجتماعی و نظام شخصیت
۸۰	تمایلات نیازی و انتظارات نقشینه
۸۰	انحراف
۸۱	نظام‌های جهت‌گیری ارزشی
۸۱	جایگاه الگوهای جهت‌گیری ارزشی در سازمان فرهنگ
۸۱	طبقه‌بندی عناصر فرهنگ
۸۳	نظام‌های ارزش‌های شخصی
۸۳	طبقه‌بندی نظام‌های ارزش
۹۸	ب. نظام اجتماعی
۱۰۱	کانون سازمان
۱۰۱	تخصیص پاداش‌ها
۱۰۲	یگانگی نظام اجتماعی
۱۰۳	طبقه‌بندی نظام اجتماعی و اجزاء آن: انواع ساختی
۱۰۶	یگانگی: اجماع و قدرت
۱۰۶	تحلیل ساخت اجتماعی

۱۰۷	انگیزش و پویایی‌های فرایندهای اجتماعی
۱۰۹	نتیجه
۱۱۳	۴. یک مدل روان‌شناختی
۱۱۳	مباحث روان‌شناختی مربوط به کنش یا رفتار
۱۳۳	متغیرهای قابل تعریف عملیاتی
۱۳۵	نقش‌های اجتماعی
۱۳۷	۵. پیش‌داوری: یک مسئله در تعلیل روان‌شناختی و اجتماعی
۱۳۷	پیش‌داوری از دیدگاه روان‌شناختی و اجتماعی
	۶. ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی در نظریه کنش: تذهیقی در تعریف
۱۳۹	و طبقه‌بندی
۱۳۹	ارزش‌ها و جهت‌گیری ارزشی در نظریه کنش
۱۴۳	۷. به سوی یک طبقه‌بندی از تعامل
۱۴۳	طبقه‌بندی تعاملات
۱۴۵	۸. رفتار اجتماعی و رشد شخصیت
۱۴۵	رفتار اجتماعی و رشد شخصیت
۱۴۹	۹. مطالعه تجربی مسائل فنی در تحلیل الزامات نقشینه
۱۴۹	تعارض نقش و شخصیت
۱۵۳	منابع

سخنی با خواننده

کتاب حاضر به معرفی اجمالی یکی از آثار تالکت پارسنز تحت عنوان "به سوی نظریه عمومی کنش" اختصاص دارد که در واقع دربرگیرنده تلاشی گروهی برای صورت‌بندی کنش در عرصه جامعه‌شناسی به شمار می‌آید.

هدف پارسنز، تمهید ساختی مفهومی برای ادغام علوم اجتماعی در حیطه جامعه‌شناسی بود. در این راستا، مقوله کنش توانست در نقطه التقای کنشگری اشخاص و نظام اجتماعی بایستد و رابطه معنادار کنشگران با محیط را توجیه کند.

از این نگره، مهم‌ترین خصیصه محیط عبارت است از حضور دیگرانی که در تعامل با خود کنشگران انسانی - اجتماعی، آمال و اهداف متقابل را تکوین می‌بخشند و مرتفع می‌کنند. در این تعاملات، هنجارها و ارزش‌ها تنسيق می‌شوند و کنش و واکنش‌های خود و دیگری را قابل پیش‌بینی می‌سازند. به علاوه فرایند جامعه‌پذیری چنان به درون‌نگی این هنجارها و ارزش‌ها حکم می‌دهد که نهادینگی ساختی آن‌ها، هم به معنای ثبات کل جامعه باشد و هم نیازهای سیال و مستمر و نوظهور اشخاص را به مقتضای تحولات ساختی پاسخ دهد.

پارسنز تعامل را نقطه تقارن کنش‌های کنشگران خرد و کلان می‌شمارد و آن را در قالب نظام اجتماعی تحلیل می‌کند. پل رابط کنش اجتماعی با نظام اجتماعی نیز عبارت از متغیرهای الگویی است. مراد از متغیرهای الگویی، گزینه‌های پیش روی کنشگران در اوضاع متفاوت زندگی است و بسته به انتخاب این گزینه‌ها است که نظام‌های سستی و مدرن اجتماعی شکل می‌گیرند.

النواع عمده متغیرهای الگویی عبارتند از: عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی (توجه کنشگر به ویژگی خاصی از دیگری در جریان کنش یا التفات به عموم خصائص وی)، انجام عمل در برابر کیفیت انجام عمل (داوری کنشگر نسبت به دیگران بر مبنای عملکرد یا خصائص شخصی آن‌ها)، بی‌طرفی در برابر دلبستگی (درگیری کنشگران در تعامل به دلایل ابزاری و بدون استلزام احساسی یا به دلایل ارزشی و تابع عواطف) و بالاخره محدودیت در برابر پخشیدگی (انتخاب وضعیتی کنشگر از میان کلیت فعالیت‌های دیگری یا بعدی خاص از آن، جهت برقراری مناسبات متقابل).

این متغیرهای الگویی هرگونه نظام تعامل را ساختمند می‌سازند. به‌علاوه هر نظام، نیازهایش را به واسطه برقراری ارتباط با محیط و همچنین تبادل دستاوردهای کارکردی خرده‌نظام‌هایش با یکدیگر مرتفع می‌کند. در این عرصه، چهار نوع نیاز کارکردی مطرح است که عبارتند از: انطباق (برقراری رابطه با محیط بر حسب منافع دریافتی از آن)، توفیق (دستیابی به آماج گروهی - سازمانی)، یگانگی (حفظ و استمرار نظم) و بالاخره پایداری (ایجاد انگیزش کافی برای انجام وظایف).

رشد تعاملات و توسعه خرده‌نظام‌ها به‌علاوه در راستای پاسخگویی

به این مقتضیات کارکردی رخ می‌دهد؛ چنان که مثلاً خرده‌نظام‌های اقتصاد، سیاست، اجتماع جامعه‌ای و فرهنگ به تحقق کارکردهای انطباق و توفیق و یگانگی و پایداری اختصاص می‌یابند.

شایان توجه است گرچه هر خرده‌نظام در درون خویش نیز به تحقق همین کارکردهای چهارگانه می‌پردازد؛ اما ضمناً به واسطه همین حلقه اتصال با سایر خرده‌نظام‌ها نیز متعادل می‌ایستد. به عنوان نمونه، خرده‌نظام‌های ارگانیسم رفتاری، شخصیت، اجتماع و الگوهای رفتاری نیز در سطح خرد نظام اجتماعی، همان کارکردهای انطباق و توفیق و یگانگی و پایداری را برمی‌آورند و لذا با اقتصاد و سیاست و اجتماع جامعه‌ای و فرهنگ در سطح کلان به واسطه تقارن کارکردی، مقابل می‌نشینند. بر این اساس است که وفاق و تعادل در سطوح انسانی - ساختی حفظ می‌شود و تطور پویای نظام اجتماعی به عدم توازن نمی‌گراید.

تغییر در نظام اجتماعی متضمن گذار مرحله‌ای از حالتی متعادل به حالت متعادل دیگر است. مکانیسم تغییر نیز تابع تشکیک‌پذیری ساختی و تمایزیابی شخصیتی متقارن با آن تا حد بروز ترقی اجتماعی است.

نظریه کلان پارسنز البته از انتقاد نیز مبرا نیست. از جمله این انتقادات می‌توان به معضل آزمون تجربی چنین نظریه‌ای اشاره داشت. به علاوه تأکید گسترده وی بر هنجارها و ارزش‌ها در کنار غفلت از سبزه‌های تضادآمیز اجتماعی تا حد تعین ساختی نسبت به کنشگری پیش می‌رود و سر از فرجام‌شناسی کنش از حیث اختتام اعمال به غایات متصور نظام اجتماعی درمی‌آورد.

در هر حال امید است این اثر اجمالاً بتواند دیدگاه ساختی - کارکردی پارسنز را راجع به نظریه کنش معرفی نماید و چگونگی تعبیه آن در نظام

اجتماعی را بگشاید. تنها در این پرتو است که می‌توان تمایزات نظریه کارگزاری - ساختی را با انگارش نظم نسبت به نظریات مشابه و البته با انگارش تغییر، دریافت و از این رویکرد برای طرح دیدگاه‌های جامع ترکیبی سود جست.

دکتر عباس محمدی اصل

دانشگاه علامه طباطبائی

www.ketab.ir